

گزارش میدانی «شرق» از یک روز حضور در کنار کودکان روستای جنگارک چاپهار که هرگز آنها را ندیده‌ایم

کودگانی پنهان‌مانده

نسترن قرخه: محرومیت همه چیز آنها را در بر گرفته است. بچه‌ها با باهای برهنه در این زمین خاکی جلوی هونت میان روستا می‌نشینند و شروع به شست‌وشوی ظرف‌ها می‌کنند. یکی از اهالی می‌گوید: «چند وقت پیش فهمیدیم جسد یک سگ چند روزی در این آب آب راکد مانده بوده و نمی‌خواهیم دیگر از این آب استفاده کنیم، چون بچه‌ها را خیلی راحت بیمار می‌کند، اما چاره نداریم».

صفحه ۸

سرمقاله

انتخاب استراتژیک معامله بزرگ مصر – اسرائیل



کیومرت اشتریان

۱- اسرائیل در یک بن‌بست شطرنجی است و راه دیگری جز پروژه سنگین اخراج فلسطینی‌ها در غزه و/یا کوچک‌ترسازی غزه ندارد. برای این کار، نخست باید داعشی‌سازی از تصویر حماس شکل گیرد و این تصویر با هولوکاست پیوند معنایی بیابد تا در افکار عمومی، کشتار در غزه با ذهنیت هولوکاست التیام یابد. البته که دیگر انحصار رسانه‌های بزرگ وجود ندارد و شبکه‌های اجتماعی افشاگرند. در گام دوم، باید مصر را برای میزبانی دو میلیون غزه‌ای آواره تطمیع و متقاعد کنند. سرکوب خونبار غزه دقیقاً برای رهایی از همین بن‌بست استراتژیک است و اگر نیروی زرهی را هنوز به غزه وارد نکرده‌اند، به دلیل آن است که هنوز دقیقاً نمی‌دانند در زیر زمین و در تونل‌های غزه چه می‌گذرد. گزینه‌های شطرنج اسرائیلی به زمین مهره‌های پیاده حریف گیر کرده است. باران آتشبارها تا هنگام تأثیرگذاری فشارها بر هر دو سو ادامه می‌یابد. در بازی شطرنج، آنگاه که در بن‌بست «استراتژی» و محدودیت «زمان» قرار می‌گیرید، گاه ناچارید که یک مهره اصلی را قربانی کنید تا بتوانید به حیات ادامه دهید. اسرائیل ناچار است که مُهره حیثیت بین‌المللی خویش را بیش از پیش قربانی کند و رخ به خون پیادگان بنماید تا به «اخراج بزرگ» دست یابد و آمریکا و اروپا را مجبور کند تا به معامله بزرگ با مصر تن دهند. راهی برای اسرائیل باقی نمانده است جز اینکه با «کیش» جمعیت به سبنای مصر، فلسطینیان را بار دیگر «مات» آوارگی کند. اندکی رخداده‌ا را مرور کنیم تا ببینیم چه شد؟

۲- دیرگاهی است که تمهیداتی برای پیمان صلح ابراهیم فراهم شده بود و درست همان‌گاه‌ان که پندار می‌شد همه راه‌ها (از چین تا آمریکا و از اسرائیل تا روسیه و عربستان) به بازگشت اعراب به دامن دیپلماسی اسرائیلی-آمریکایی منتهی می‌شود، همه چیز به عقب بازگشت، انگاره و خیال دیپلماتیک به باتلاق واقعیت فرونشست. نظریه‌پردازهای علمی در سیاست‌های عمومی به این مهم اشاره می‌کنند که گاه «تاکتیک»، نقشی «استراتژیک» بر گنبد سیاست می‌زند. عملیات «طوفان الاقصی» که اساساً تاکتیکی و در مقیاسی کوچک در شهرک‌ها رخ داد، نقشی استراتژیک یافت و همه چیز را دست‌کم به ۲۰ سال پیش پرتاب کرد. حماس که به چشم شماری از اعراب همچون فرزندی ناخوشایند می‌نماید، حماسه‌ای در اعتمادبه‌نفس فلسطینیان و اعراب آفرید. همچون حرکت یک مهره پیاده در شطرنج که ممکن است سرنوشت بازی را به بن‌بستی دوسویه بکشانند. این عملیات کل بازی را به هم ریخت و سرنوشت دیپلماسی را به بن‌بست تونل‌های غزه برد. به مصداق «حفره‌کن زندان و خود را و راهان» غزه‌ای‌ها در شبانگاهان غفلت اسرائیلیان در بُن دیوار زندان جفا حفره‌ها کرده‌اند.

۳- سخن غالب این است که «حفره‌امینیتی» دلیل این رخداد بود. به گمان، اما چنین نیست. «حفره تحلیلی» و ذهنی بسیار مهم‌تر از حفره امنیتی بود. اسرائیل دچار حفره تحلیلی و بیش‌برآورد از قدرت فناورانه خود بود. در سوی فلسطینیان اما این حفره بسیار بزرگ‌تر بود؛ فلسطینیان و توده‌های عربی دچار حفره اعتمادبه‌نفس بودند. این عملیات آن حفره روانی برای فلسطینیان و اعراب را پر کرد. اینک دیگر از ترس افکار عمومی در جهان عرب هیچ‌یک از کشورهای عربی نمی‌توانند به‌سادگی به اسرائیل خوشامد دیپلماتیک بگویند. خشونت‌های خونبار، «دیپلماسی عمومی» را قارع از قدرت‌های سیاسی، به‌صورت «دوقفوتکو» صورت‌بندی کرد و دیپلماسی رسمی را به حاشیه‌ای بسیار دورتر از مرکز افکار عمومی عربی پرتاب کرد. در پیامد، «پادین» بدون ملاقات با برخی سران عرب، منطقه را ترک کرد. دیپلماسی به معنی واقعی کلمه مرانده شد. اعمال خشونت‌آمیز اسرائیل در غزه بازتاب همین بلاکتیکی و بازگشت به عقب است. مهم‌تر از آن، علاوه بر غزه، کرانه باختری هم جری‌تر شد و همان کودک‌کشی ۲۰، ۳۰ سال پیش در کرانه باختری به سوی اسرائیلیان سنگ‌پرانی می‌کردند، اینک با سلاح برگرفته‌اند یا برگ رای خود را به رنگ گرایش «حماس» آ می‌آمده هر انتخابات پیش‌رو کرده‌اند. عملیات اخیر، اعتمادبه‌نفس آنان را دیگرگون و آتش خشمشان را افزون کرده است. پروژه دو دولتی تضعیف شد و برای مدت نامعلومی به محاق رفت. این، هم برای راست اسرائیلی و هم برای چپ فلسطینی گزینه‌ای رضایت‌بخش است.

۴- پروژه دو دولتی اگرچه به لحاظ آرمانی برای شماری از دولت‌ها و روشنفکران جذاب می‌نماید، اما در عمل سیاستی و در دامنه اجرایی با موانع عمده‌ای مواجه است. نتانیاهو و راست افراطی اسرائیل به‌درستی تشخیص داده‌اند که پروژه دو دولتی، به‌ویژه برای اسرائیل یک تهدید دائمی است؛ چون یک دولت واقعا مستقل و آزاد فلسطینی ولو در مقیاس کرانه باختری و حتی در مقیاس غزه، برای اسرائیل بسیار خطرناک است؛ چراکه پشتوانه‌ای از توده‌های مردمان و سرمایه‌های فناورانه آنان در جهان اسلام دارد و می‌تواند به شتاب، قدرتی نظامی برآورد.

ادامه در صفحه ۵



یکشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۲ • ۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۵ • ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۷۷ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰ تومان



رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس:

فرصت‌افزایی و تهدیدزدایی توأمان راهگشای موضوع اتباع خارجی است

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه فرصت‌افزایی و تهدیدزدایی توأمان راهگشای موضوع اتباع خارجی است، گفت: قانون زیرساخت اصلی لازم برای مدیریت در حوزه اتباع خارجی است.

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: سردار – دایی؛ می‌شود، نمی‌شود؟، نشست صلح در مصر هم‌زمان با آغاز سومین هفته جنگ حماس و اسرائیل، در پِنل ضرورت طراحی سیاست مهاجرتی برای ایران و مدل مطلوب آن مطرح شد؛ سیاست شکست‌خورده بازگشت

واکنش آموزش و پرورش به گزارش «شرق»

در شرایط سخت اقتصادی دولت گرفتار حاشیه‌سازی برای پارلمان بخش خصوصی شده است

بخش خصوصی در تله حاشیه

پلغرم‌های خرید و فروش آنلاین چه تأثیری بر توانمندسازی جوامع محلی می‌گذارد؟

اینترنت؛ میانبری برای زنان روستایی



به مناسبت اهدای جایزه فریدریش گوندولف به مهشید میرمعزی

شنیدن صدای «دیگری»

با گفتاری از: محمود حدادی، امیرحسن چهلتن

یادداشت

رؤیای صلح در خاورمیانه



کورش الماسی

هیچ واژه‌ای توان انعکاس درد و رنج غیرانسانی و ناعادلانه‌ای را که مردم فلسطین در روزها و هفته گذشته دچار آن شده‌اند، ندارد. بسته به گرایش‌های فکری و منفعتی، وقایع روزهای اخیر در فلسطین اشغالی از زوایای گوناگون تحلیل و ارزیابی شده و خواهد شد. بی‌شک، هر ذهن سالم و اخلاق‌فهمی باور دارد که ایجاد درد و رنج برای انسان‌ها، صرف نظر از هر قیدی نامطلوب و منشأ آن قابل نکوهش است. این موج، تلاشی است برای درک مبانی درد و رنج و تنش‌های بی‌پایان در خاورمیانه که زیست شهروندان این منطقه را با چالش‌های گوناگون همراه کرده است. درک مبانی درد و رنج و تنش‌های بی‌پایان در خاورمیانه از طریق طرح چند پرسش انجام می‌شود؛ مثلاً چرا صلح و ثبات در خاورمیانه ناممکن یا یک رؤیا است؟ چرا شهروندان خاورمیانه نمی‌توانند همانند شهروندان دیگر مناطق و کشورها زیستی آرام، عادی و امن داشته باشند؟ آیا برای داشتن زیستی آرام و امن، انسان‌ها باید ویژگی‌های خاصی داشته باشند که شهروندان خاورمیانه ندارند؟ آیا منشأ درد و رنج بی‌پایان شهروندان خاورمیانه بومی یا فراملی است؟ آیا شهروندان خاورمیانه امکان زیستی آرام و امن را دارند یا محکوم به تحمل درد و رنج ابدی هستند؟ و… اگر بهشت نماد آرامش، امنیت، ثبات و دوزخ نماد درد و رنج، وحشت، ناآرامی و ناامنی ابدی تلقی شود، آیا خطاست اگر گفته شود شهروندان خاورمیانه در دوزخ ابدی زیست می‌کنند؟ آیا ذهنی دانا، عالم و دلسوز در خاورمیانه وجود دارد تا مسیر رفتن به بهشت را به شهروندان خاورمیانه نشان دهد؟ آیا خطاست اگر گفته شود تنها مسیر رفتن به بهشت، «صلح و همکاری» است؟ آیا خطاست اگر انتظار داشته باشیم تا دولت‌های خاورمیانه مسیر رفتن به بهشت (صلح و همکاری) را برای شهروندان خود مهیا کنند؟ پربیراه نیست اگر ادعا شود که سرچشمه درد و رنج شهروندان خاورمیانه، وجود ذخایر سرشار انرژی در منطقه است. به عبارتی بی‌ثباتی، تنش، جنگ و دشمنی سیاسی میان دولت‌ها در خاورمیانه، «مطلوب و هدف» انرژی‌خواران فرامنطقه‌ای است. اگر رابطه علت و معلولی میان ذخایر انرژی، صلح و همکاری، تنش‌ها و جنگ‌های بی‌پایان را درک کنیم و بپذیریم، آن‌گاه می‌توان ادعا کرد که استعمارگران (غربی و شرقی) فرامنطقه‌ای به منظور غارت ذخایر انرژی خاورمیانه، به شیوه‌های گوناگون مانع ثبات سیاسی در خاورمیانه می‌شوند. اگر استدلال فوق منطقی تلقی شود، آن‌گاه، باید گفته شود که «رژیم صهیونیستی به‌مثابه ابزار بی‌ثباتی، در خاورمیانه در کنار تمایل‌داشتن قدرت‌های بزرگ (غربی و شرقی) برای حل‌وفصل مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی، عوامل اصلی انواع بحران‌ها و تنش‌ها در خاورمیانه هستند». اگر منشأ درد و رنج شهروندان خاورمیانه را دخالت‌های انرژی‌خواران فرامنطقه‌ای تلقی کنیم، آن‌گاه، باید پرسش شود راه‌های شهروندان خاورمیانه از زیست دوزخ‌گونه چیست؟

ادامه در صفحه ۵

نمایندگان در گفت‌وگوبا «شرق» از قانون جدید انتخابات که خود تصویب کردند گله می‌کنند؛ باز هم باید ترمیم شود؟

چرخه معیوب اصلاح

نگاهی گذرا به تب‌وتاب فعالیت‌های شورای نگهبان در آستانه فصل انتخابات؛ آنچه می‌گویند و آنچه می‌شود

گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید



صفرهای کوبنده

نگاهی به گزارش بازار مسکن که پس از ۸ ماه سکوت آماری منتشر شد و ارقام هشداردهنده‌ای را نشان می‌دهد

کاوه نصرتی؛ پس از وقفه‌ای هشت‌ماهه در انتشار گزارش‌های ماهانه متوسط قیمت مسکن در تهران، مرکز آمار ایران در روز گذشته اقدام به ارائه گزارش بازار مسکن تهران در شهریور سال جاری کرد.

به نظر می‌رسد مسئولان اقتصادی هم به این نتیجه رسیده‌اند که عدم انتشار گزارش و پاک‌کردن صورت‌مسئله مصائب اقتصادی کشور، نمی‌تواند منجر به بهبود متغیرهای اقتصادی شود و چه‌بسا ایهام و عدم شفافیت در فضای اقتصادی می‌تواند به تشدید شرایط بحران‌زا بینجامد. با این حال، نمی‌توان یک نکته را نیز درخصوص انتخاب این زمان برای انتشار گزارش شاخص قیمت مسکن در نظر نگرفت و آن هم این

یادداشت

نگاهی استراتژیک به رویارویی حماس واسرائیل



سیدعلی طباطبایی

استاد دانشگاه

۱- تحلیل و تعلیل رویارویی حماس و اسرائیل تنها با تمرکز بر آنچه در مرزهای اسرائیل، غزه و لبنان می‌گذرد، اگرچه می‌تواند مقرون به صحت و واقعیت باشد ولی به معنای فروگاهیدن و فراموشی حرکت گسل‌های تعارض میان ایران و نیروهای محور مقاومت و آمریکا و متحدانش در کلیت خاورمیانه است.

۲- تصویر بزرگ و بدون سانسور از این ماجرا، به ما می‌گوید که گسل‌های تعارض میان ایران و نیروهای محور مقاومت و آمریکا و متحدانش با سرعت بالا ولی دوری کند در حال حرکت و فشار بر یکدیگرند و شوربخزخانه احتمال وقوع زلزله‌ای چندده‌ریشتری در خاورمیانه را به ذهن متبادر می‌کند. زلزله‌ای که در صورت وقوع می‌تواند نقشه سیاسی خاورمیانه را متحول کند.

۳- به نظر می‌رسد مجموعه غرب با برنامه‌ریزی و با حوصله و هدفمند در جهتی حرکت می‌کند که به زعم خود مشکل جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه مشکل سیاسی و امنیتی کنار گذاشته شده است. ۴- در این راستا، با برنامه‌ریزی غرب فرایند حذف ایران از داشته‌های استراتژیکش شامل ژئوپلیتیک بی‌همتا، منابع طبیعی سرشار و نیروی انسانی نخبه‌اش کلید خورده است و ایران از همه روندهای مهم بین‌المللی، رنجبره ارزش‌های جهانی، خطوط مهم انتقال انرژی جهانی، سهم از تولید انرژی در جهان، کریدورهای مهم ارتباطی جهانی و ائتلاف‌های مهم سیاسی و امنیتی کنار گذاشته شده است. ۵- مجموعه غرب برندینگ جمهوری اسلامی ایران از یک کشور با برندینگ فرهنگی اقتصادی را به یک کشور با برندینگ امنیتی نظامی با توسل به موضوع لاینحل هسته‌ای پس از سه دهه، قدرت موشکی رعب‌آور ایران، قدرت پهبادی ایران و حضور نیابتی ایران در خاورمیانه را نهایی کرده است. حضور ایران در بازی قدرت‌های بزرگ در جنگ روسیه و اوکراین تلاش غرب برای امنیتی‌سازی برندینگ جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی را وارد مرحله تازه‌ای کرد.

۶- دینامیسم تحولات داخلی، اعتراضات پنج‌ساله اخیر کشور،

رشد منفی اقتصاد داخلی در یک دهه اخیر، نارضایتی عمومی از فشارهای اقتصادی و کاهش مشارکت در فرایندهای سیاسی موجب شده است که غرب به زعم خود، بستر و زمینه داخلی را برای ایجاد تحولات مصنوعی خارجی در کشور مهیا ببیند.

۷- حمله غافلگیرانه حماس به اسرائیل مانند یک نقطه عطف بهانه جذابی برای غرب برای به میان کشیدن پای ایران در این ماجرا بود، مقامات عالیه نظام با درک سناریوی کلان غرب، با سرعت ضمن واکنش به این موضوع با نفی صریح دخالت ایران در این حمله بهانه لازم را از غرب برای مانور در راستای سناریوی بزرگ آنان سلب کردند. از منظر غرب شاید امروز زمان از میان بردن محور مقاومت، اندوخته بزرگ و برپساخته سترگ جمهوری اسلامی باشد؛ به‌ویژه آنکه ایران نیز اگر خود را بی‌محبا یا وارد ماجرا کند.

۸- استراتژیست‌های عموماً نظامی-امنیتی داخلی معتقدند محور مقاومت، سپر حائل ایران در مواجهه محتوم با شیطان بزرگ یعنی آمریکا و شر مطلق یعنی اسرائیل است و مهابت آن عامل مهمی در بازدارندگی کشور علاوه بر ظرفیت‌های نظامی کشور به حساب می‌آیند. این استراتژیست‌های وطنی همچنین معتقدند محور مقاومت، حامل ژئوم انقلاب اسلامی و دی‌ان‌ای جمهوری اسلامی است و چنین پدیده‌ای که هم در خود قدرت سخت و هم قدرت نرم متأثر از جمهوری اسلامی را به صورت هم‌زمان و یک‌جا دارد، نیازمند حمایت است.

۹- در یک چشم‌انداز کوتاه‌مدت، حمله غافلگیرانه حماس به اسرائیل موجب تردیدهای جدی درخصوص قدرت بازدارندگی اسرائیل و تحقق ایده دو کشور، تعویق طرح دوستی اسرائیل با عربستان، خروج اهرم اخلاق در موضوع فلسطین از انحصار فلسطینی‌ها و مهم‌تر از همه قرارگرفتن جدی موضوع محور مقاومت در دستور غرب شده است.

۱۰- حمله حماس به اسرائیل به سران پیدا و پنهان اسرائیل تفهیم کرد تا قیام قیامت و تا زمانی که حقوق نسبی فلسطینی‌ها در تشکیل دو دولت را نپذیرند، باید در انتظار چنین تحرکاتی باشند که می‌تواند فراسوی تحلیل سود و زیان هم از نظر نهدای و هم فردی از سوی فلسطینی‌ها انجام شود.

۱۱- معلوم نیست حمله غافلگیرانه حماس به عمق اسرائیل با این شدت و حدت و حجم خشونت مبتنی بر چه محاسبات تئوریک، پراتیک و میدانی صورت گرفته است؛ محاسباتی که زمان نشان خواهد داد طراحان آن تاکتسین بوده‌اند یا استراتژیست.

۱۲- شکل و محتوای موضع‌گیری و دخالت روسیه در این ماجرا باید به دقت دنبال شود. شاید خیلی دور یا شاید خیلی نزدیک بتوان ردپای ایده‌ها و حیل‌های تزار یخی روسیه را در انجام این حمله دید. تزار یخی روسیه به‌شدت علاقه‌مند است داشته‌های راهبردی دیگران را خرج رویاها و ایضا سوءمحاسبات خود کند. حمله حماس به اسرائیل و پیامدهای آن موجب برهم‌خوردن تمرکز غرب از اوکراین به اسرائیل شده است و این شاید مغری برای روسیه برای خروج از دام خود‌ساخته اوکراین البته با هزینه دیگران باشد.

۱۳- قاعدتا این ایده که می‌توان اسرائیل را در کوبه‌های تک و تاریک جغرافیای فاقد عمق استراتژیک اسرائیل، تنها گیر انداخت، یقه‌اش کرد، پوزه‌اش را به خاک مالید و… با مدل واکنش و شدت و حدت حمایت بی‌قیدوشرط آمریکا و متحدانش از اسرائیل در این ماجرا دچار تردید شده است.

۱۴- در این میان باید نسبت به تمرکز غرب بر محور مقاومت به‌سان یک کل خطرناک، حساس بود و پازل تهدیدات چندبعدی غرب را به‌شدت رصد کرد. شکل و محتوای مواجهه سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه غرب نسبت به حمله حماس به اسرائیل، حضور سران آمریکا، آلمان و انگلستان در میانه جنگ در اسرائیل، گسیل دو ناوگروه از ناوهای هواپیمابر آمریکا به منطقه، ورود هواپیماهای جنگی آمریکا به اردن و عراق، رزمه‌های حضور فیزیکی آمریکا، انگلستان و آلمان در اسرائیل، ترمینولوژی رهبران غرب علیه ایران، حماس و حزب‌الله و حضور رئیس‌جمهور آمریکا در اتاق جنگ اسرائیل تنها نشانه‌های کوچکی از ما فی‌الضمیر غرب علیه کلیت محور مقاومت است.

۱۵- و نکته پایانی، اگر اسرائیل به غزه حمله زمینی کند و در پیامد آن حزب‌الله به میدان آید و در ادامه با تشدید نردبانی بحران دیگر اعضای محور مقاومت وارد کود شوند و پای آمریکا و متحدانش نیز به ماجرا باز شود، ایران چگونه باید رفتار کند.